



فصلنامه
مطالعات بین‌المللی



فصلنامه مطالعات بین‌المللی
سال ۲۱، شماره ۲ (۸۲)، پاییز ۱۴۰۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۳۰
نوع مقاله: علمی- پژوهشی
صفحات: ۷-۳۴

کاربست رژیم پایش فناوری موشکی در رویه شورای

امنیت: مطالعه موردی قطعنامه ۲۲۳۱



دکتر ساسان صیرفی* - دکتر عبدالله عابدینی** - سارا واعظ***

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

رژیم پایش فناوری موشکی یک رژیم چندجانبه پایش صادرات است که به منظور جلوگیری از گسترش فناوری ساخت موشک‌ها و پهپادهای قادر به حمل سلاح‌های کشتار جمعی، از سوی گروهی از کشورهای همسو شکل گرفته است. با وجود اینکه اسناد رژیم پایش فناوری موشکی به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیستند، شورای امنیت سازمان ملل متحد طی دو دهه گذشته در قالب قطعنامه‌های تحریمی خود در مسیر الزام‌آور سازی این رژیم گام برداشته است. در این میان، قطعنامه ۲۲۳۱ - که به منظور تأیید و اجرای «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) بین ایران و گروه ۵+۱ به تصویب شورا رسید - هم از حیث نحوه ادغام رژیم پایش فناوری موشکی در ساختار قطعنامه و هم از نظر تنش‌هایی که بین ایران و قدرت‌های غربی پدید آورد، منحصر بفرد می‌نماید. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، در صدد پاسخ به این پرسش است که رژیم پایش فناوری موشکی چگونه در رویه شورای امنیت و به طور ویژه در قطعنامه ۲۲۳۱ به کار شده است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شورای امنیت با ادغام فهرست اقلام سند پیوست رژیم پایش فناوری موشکی در ساختار تحریم‌های قطعنامه‌های فصل هفتمی خود، رژیم پایش فناوری موشکی را به ابزاری برای ایجاد تعهدات حقوق سخت در راستای عدم اشاعه فناوری‌های موشکی و پهپادی مبدل کرده است.

کلیدواژگان

رژیم پایش فناوری موشکی، پهپاد، موشک بالستیک، شورای امنیت، تحریم، ایران، قطعنامه ۲۲۳۱

* استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران/نویسنده مسئول، ایمیل:

sasansevrifi@ut.ac.ir

** استادیار پژوهشکده تحقیق و توسعه در علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران.

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Article Link: https://www.isj.ir/article_207493.html

مقدمه

اصطلاح «رژیم چندجانبه پایش (کنترل) صادرات»^۱ به ترتیبات پذیرفته شده میان گروهی از کشورهای همسو اطلاق می‌شود که به منظور جلوگیری از اشاعه فناوری سلاح‌های کشتار جمعی و سلاح‌های متعارف پیشرفته، به طرد او طلبانه گرد هم آمده‌اند. ویژگی اساسی رژیم‌های پایش صادرات این است که اساساً ماهیتی سیاسی داشته و به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیستند به طوری که اسناد مبنای آنها در زمره حقوق نرم تلقی می‌شوند. در حال حاضر چهار رژیم پایش صادرات برای جلوگیری از گسترش فناوری‌های جنگ‌افزاری وجود دارد که در میان آنها «رژیم پایش فناوری موشکی»^۲ درخور توجه ویژه است. آنچه این رژیم را درخور توجه ویژه می‌سازد، کاربست آن در رویه شورای امنیت سازمان ملل متحد (از این پس «شورای امنیت») است که طی دو دهه گذشته با هدایت قدرت‌های غربی در قالب قطعنامه‌های تقنینی و تحریمی مستند به فصل هفتم منظور ملل متحد در راستای الزام‌آورسازی رژیم پایش فناوری موشکی گام برداشته است.

نقطه آغاز این رویکرد شورای امنیت تصویب قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت در سال ۲۰۰۴ است که به عنوان دومین «قطعنامه تقنینی»^۳ این شورا شناخته می‌شود. در این قطعنامه بود که شورای امنیت برای نخستین بار سیاست تحکیم رژیم‌های پایش صادرات از طریق تکلیف حقوقی به استناد فصل هفتم منشور ملل متحد را نمایان ساخت.^۴ اما مجرای اصلی سیاست الزام‌آورسازی رژیم پایش فناوری موشکی قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه کره شمالی و ایران بوده است که با ادغام فهرست اقلام سند پیوست رژیم در ساختار تحریم‌های اقتصادی، عملاً اجرای این رژیم را برای همه کشورها الزامی ساخت. اما با پذیرش «برنامه جامع اقدام مشترک» (از این پس «برجام») از سوی ایران و گروه «۵+۱» و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در سال ۲۰۱۵، سیاست الزام‌آورسازی رژیم پایش فناوری موشکی چهره‌ای تازه به خود گرفت. افزون بر این، ادغام فهرست اقلام مشمول این رژیم در ساختار قطعنامه ۲۲۳۱ - به ادعای قدرت‌های غربی در بند ۳ و به صراحت در بند ۴

^۱. Multilateral Export Control Regimes

^۲. Missile Technology Control Regime (MTCR)

^۳. اصطلاح «قطعنامه تقنینی» (legislative resolution) در مورد آن دسته از قطعنامه‌های شورای امنیت به کار می‌رود که به جای اتخاذ تصمیم درباره یک مورد خاص، قواعدی کلی مقرر می‌کنند. البته بسیاری تصویب این گونه قطعنامه‌ها را خارج از صلاحیت شورای امنیت می‌دانند. برای توضیح بیشتر نک Talmon, 2005

^۴. اگرچه در قطعنامه ۱۵۴۰ اشاره صریحی به رژیم پایش فناوری موشکی یا دیگر رژیم‌های پایش صادرات وجود ندارد، اما در بند ۳ این قطعنامه مقرر شده است که همه کشورها مکلف‌اند تمهیدات مؤثری را در خصوص اعمال «پایش‌های داخلی» (domestic controls) برای جلوگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی یا بیولوژیکی و وسایل پرتاب این سلاح‌ها «از جمله با اعمال پایش بر کالاهای مربوط به ساخت آنها» اتخاذ و اجرا کنند. در در پانوشت این قطعنامه عبارت «کالاهای مربوط» (related materials) چنین تعریف شده است: «مواد، تجهیزات و فناوری تحت پوشش معاهدات و ترتیبات چندجانبه مربوط، یا مشمول فهرست‌های پایش ملی، که می‌تواند برای طرح، توسعه، تولید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی و یا وسایل پرتاب آنها به کار برده شود». عبارت «ترتیبات چندجانبه» در این تعریف به وضوح به کالاهای فناوری‌هایی اشاره دارد که تحت پوشش رژیم‌های چندجانبه پایش صادرات قرار دارند. برای توضیح بیشتر در این خصوص نک Asada, 2017; Toby 2018

پیوست «ب» این قطعنامه - به تنش‌ها و چالش‌های سیاسی کم‌مانندی میان ایران و قدرت‌های غربی انجامید، چندانکه این قطعنامه مبنای حقوقی اعمال فشار بر این ایران در زمینه‌های مختلف از آزمایش موشک‌های بالستیک گرفته تا حمله به تأسیسات نفتی آرامکو در عربستان سعودی و استفاده روسیه از پهپادهای ایرانی در جنگ اوکراین قرار گرفت. وجه بارز این رویارویی نیز نگاه متفاوت دو طرف به جایگاه حقوقی رژیم پایش فناوری موشکی بود.

بدین‌رو، این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، در صدد پاسخ به این پرسش است که رژیم پایش فناوری موشکی چگونه در رویه شورای امنیت و به طور ویژه در مقررات قطعنامه ۲۲۳۱ به کار گرفته شده است؟ فرضیه تحقیق این است شورای امنیت با ادغام فهرست اقلام سند پیوست رژیم پایش فناوری موشکی در ساختار تحریم‌های اقتصادی موضوع قطعنامه‌های فصل هفتمی خود، این رژیم حقوق نرم را به ابزاری برای ایجاد تعهدات حقوق سخت در راستای عدم اشاعه فناوری‌های موشکی و پهپادی مبدل کرده است که دامنه و قدرت الزامی و اجرایی آنها بسیار فراتر از رهنمودهای خود این رژیم است.

۱- پیشینه پژوهش

منابع فارسی در خصوص رژیم پایش فناوری موشکی عمدتاً در راستای شناساندن این رژیم و تبیین آثار آن بر منافع امنیتی و دفاعی ایران به نگارش در آمده‌اند. ساعد در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل هنجارین رژیم کنترل فناوری موشکی و الزامات دفاعی جمهوری اسلامی ایران» پس از بررسی انتقادی رژیم پایش فناوری موشکی به ارزیابی آثار این رژیم بر توان موشکی ایران پرداخته است (ساعد، ۱۳۸۶)؛ (Saed, 2007). امینیان و سجادی در مقاله «رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات» تصویری کلی از رژیم‌های مختلف پایش صادرات از جمله رژیم پایش فناوری موشکی ارائه نموده‌اند. (امینیان و سجادی، ۱۳۹۶)؛ (Aminian and Sajjadi, 2017). سجادی در مقاله «نقش قدرت‌های بزرگ در شکل‌گیری رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات» نشان می‌دهد که چگونه قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا نقش اساسی در تشکیل رژیم‌های چندجانبه پایش صادرات ایفاء کرده‌اند (سجادی، ۱۳۹۷)؛ (Sajjadi, 2018). امینیان و ضمیری در مقاله «تأثیر رژیم کنترل تکنولوژی موشکی بر امنیت ملی و توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران» به آثار اعمال رژیم پایش فناوری موشکی بر توان بازدارندگی ایران از نظر دفاعی، سیاسی و راهبردی پرداخته‌اند (امینیان و ضمیری، ۱۳۹۵)؛ (Aminian and Zamiri, 2016). از نگاه حقوق بین‌الملل، اغلب نویسندگان بر ماهیت سیاسی و غیرالزامی رژیم‌های پایش صادرات از جمله رژیم پایش فناوری موشکی تأکید کرده‌اند (سجادی، ۱۳۹۶)؛ (Sajjadi, 2017). اما کاربست این رژیم در قطعنامه‌های فصل هفتمی شورای امنیت و سیاست قدرت‌های غربی در این خصوص کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

طبق تعریف مشهور کراسنر، رژیم‌های بین‌المللی «مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد و

فرایندهای تصمیم‌سازی، اعم از صریح یا ضمنی، هستند که سبب می‌شوند انتظارات کنش‌گران در خصوص یک حوزه خاص از روابط بین‌الملل باهم تلاقی پیدا کنند» (Krasner, 1983:2). بنابر نظریه لیبرال‌سیم نهادگرا رژیم‌های بین‌المللی در زمره «نهادهای بین‌المللی» قرار دارند که نقشی موثر در نظام بین‌الملل ایفاء می‌کنند. از دید این نظریه رژیم‌های بین‌المللی «مجموعه‌ای از قواعد» هستند که در سطح جهانی یا منطقه‌ای روابط دولت‌ها را در یک حوزه مشخص - از قبیل کشتیرانی، هوانوردی، تجارت، محیط زیست، عدم گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و... - تنظیم می‌کنند. رژیم‌ها گاه در قالب یک سازمان بین‌المللی رسمی - مانند اتحادیه اروپایی یا سازمان جهانی تجارت - نمود پیدا می‌کنند و گاه بدون وجود چنین سازمانی زمینه همکاری میان دولت‌ها را فراهم می‌سازند (جکسون و سورنسون، ۱۴۰۱: ۱۸۴-۱۸۵) (Jackson and Sørensen, 2023: 184-185).^۳ از نظر حقوقی، رژیم‌های بین‌المللی از نوع «حقوق سخت» یا «حقوق نرم»^۴ - که از آنها به رژیم‌های رسمی و غیررسمی نیز تعبیر شده است - یا ترکیبی از این دو هستند (Joiner, 2004: 8-11; Hasenclever et al., 2004: 189-191). به طور اجمالی، منظور از حقوق سخت قواعدی است که از منابع رسمی حقوق بین‌الملل - از جمله معاهدات - ناشی شده و به لحاظ حقوقی الزام‌آور هستند. در مقابل، حقوق نرم به قواعد مندرج در اسنادی اطلاق می‌شود که محتوایی هنجاری دارند اما در زمره منابع رسمی حقوق بین‌الملل نبوده و لذا اجرای آنها الزامی نیست بلکه اساساً جنبه توصیه‌ای دارد. اگرچه اسناد حقوق نرم الزام‌آور شناخته نمی‌شوند اما پذیرش اسناد مذکور از سوی دولت‌ها - یا دیگر کنش‌گران بین‌المللی - انتظار رعایت موازین این اسناد را - تا حدی که ممکن و عملی باشد - را پدید می‌آورد. به طور مشخص، در مورد دولت‌ها، اسناد حقوق نرم تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های آنان - از جمله در قالب قوانین و مقررات داخلی - را در راستای اجرای موازین و تحقق اهداف این اسناد هدایت می‌کنند. در عین حال، عدم پای‌بندی به قواعد حقوق نرم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را در پی ندارد. اسناد مصوب فراهمایی (کنفرانس)ها و نشست‌های بین‌المللی - که غالباً با عناوینی همچون سند نهایی، اعلامیه، بیانیه، قطعنامه و... تصویب می‌شوند - و همچنین مصوبات غیرالزامی سازمان‌ها بین‌المللی - که غالباً با عناوینی همچون قطعنامه، توصیه‌نامه، رهنمودنامه، رفتارنامه، گزارش و... تصویب می‌شوند - در بسیاری موارد اسناد موجد حقوق نرم تلقی می‌شوند. از سوی دیگر، ممکن است موازین حقوق نرم تدریجاً به قواعد حقوق سخت مبدل شده یا زمینه تحقق قواعد حقوق سخت را فراهم سازند.^۶

^۱. International Institutions

^۲. Set of Rules

^۳ برای توضیح بیشتر در خصوص مفهوم و انواع رژیم‌های بین‌المللی نک (Hasenclever et al., 2004)

^۴. Hard law

^۵. Soft Law

^۶ برای توضیح بیشتر در خصوص مفهوم «حقوق نرم» نک (Thirlway, 2019: 186-194; Shaffer and Pollack, 2010; Shelton, 2000: 1-18)

از رژیم‌های پایش صادرات همواره به عنوان نمونه‌های بارز حقوق نرم یاد می‌شود (Joiner, 2004: 190-194; Williamson, 2003: 67-68). البته باید در نظر داشت که رژیم‌های مذکور بخشی از نظام بین‌المللی عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی محسوب می‌شوند. شالوده این نظام بر معاهدات قانون‌سازی بنا شده است که تعهدات حقوق سخت برای کشورهای متعاقد پدید می‌آورند. از جمله معاهدات اصلی در این خصوص می‌توان به پیمان ۱۹۶۸ منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، کنوانسیون ۱۹۷۲ سلاح‌های بیولوژیکی و کنوانسیون ۱۹۹۳ سلاح‌های شیمیایی اشاره کرد. اگرچه این معاهدات دارای تعهدات مشخصی در خصوص منع انتقال سلاح‌های موضوع معاهده هستند، اما این تعهدات معاهده‌ای برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های مذکور کافی نیستند زیرا موضوع این تعهدات منع انتقال خود سلاح‌های مشمول معاهده است نه انتقال کالاها و فناوری‌هایی که در ساخت این سلاح‌ها استفاده می‌شوند (De Bruin, 2022: 34-35; Gualtieri, 2000: 467-471; Joiner, 2004: 183-185).^۱ این همه، کشورهای دارای فناوری‌های برتر نظامی به ویژه قدرت‌های بزرگ را بر آن داشته است تا با تشکیل رژیم‌های پایش صادرات، از گسترش فناوری ساخت سلاح‌های کشتار جمعی و سامانه‌های پرتاب آنها جلوگیری کنند. چنانکه قبلاً اشاره شد، هم‌اینک چهار رژیم پایش صادرات در مورد فناوری‌های جنگ‌افزایی وجود دارد که عبارتند از: «گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای»^۴ در خصوص سلاح‌های هسته‌ای، «گروه استرالیا»^۵ در خصوص سلاح‌های شیمیایی و

^۱. این مقررات حسب مورد در ماده ۱ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته، ماده ۳ کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی و بند الف ماده ۱ کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی ذکر شده‌اند. البته باید در نظر داشت که طبق بند ۲ ماده ۳ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است طرف‌های متعاقد مکلف شده‌اند از انتقال مواد هسته‌ای (مواد چشمه و مواد ویژه شکافت‌پذیر) و نیز تجهیزات فرآوری، کاربرد یا ساخت مواد شکافت‌پذیر ویژه به کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای خودداری کند مگر اینکه انتقال با رعایت مقررات پادمانی مقرر در ماده ۳ و تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انجام شود. همچنین باید به مقررات بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی اشاره کرد که به موجب آن انتقال مواد شیمیایی فهرست‌شده در جدول شماره ۱ از جداول سه‌گانه «پیوست مواد شیمیایی» این کنوانسیون به طور کلی ممنوع شده و در موارد استثنایی، انتقال آنها تابع مقررات بخش ششم «پیوست راستی‌آزمایی» این کنوانسیون شده است. برای توضیح بیشتر نک (Asada, 2017; Joiner, 2004).

^۲. لازم به ذکر است که موشک‌ها و پرتابگرهای های موشک مشمول معاهده تجارت سلاح (مصوب سال ۲۰۱۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) هستند اما گذشته از تعداد اندک کشورهای عضو این معاهده، مفاد آن یک رژیم عدم اشاعه

در معنی اصطلاحی پدید نمی‌آورد. برای توضیح نک (Whang, 2015: 131-138).

^۳. این انتقاد همواره در مورد رژیم‌های چندجانبه پایش صادرات مطرح شده است که هدف رژیم‌های مذکور حفظ برتری فناوری و اقتصادی کشورهای عضو این رژیم‌هاست به همین لحاظ نیز از آنها به «باشگاه‌های تأمین‌کنندگان» (suppliers clubs) در این خصوص نک سجادی، ۱۳۹۷: ۱۱۲ (Sajjadi, 2018: 112)؛ امینیان و سجادی، ۱۳۹۶: ۴۷ (Aminian and Sajjadi, 2017: 47). از سوی دیگر باید در نظر داشت که اگرچه رژیم‌های پایش صادرات به ظاهر به منظور جلوگیری از اشاعه جنگ‌افزارهای موضوع رژیم به همه کشورهای فاقد این سلاح‌ها تشکیل شده‌اند اما تمرکز اصلی این رژیم‌ها بر کشورهایی خاص - که از آنها با تعابیری همچون «کشورهای مورد نگرانی» (states of concern) یاد می‌شود - بوده است که ایران همواره در زمره آنها قرار داشته است. نک (De Bruin, 2022: 37; Joiner, 2004: 187). ایران به ویژه به لحاظ برنامه‌های موشکی خود همواره از اهداف اصلی رژیم پایش فناوری موشکی بوده است. Mistry, 2003: 1-14 and 141-151

^۴. The Nuclear Suppliers Group

^۵. The Australia Group

بیولوژیکی، «ترتیب‌ات و اسنار»^۱ در خصوص سلاح‌های متعارف پیشرفته و رژیم فناوری موشکی که موضوع نوشتار حاضر است.^۲

چنانکه قبلاً اشاره شد، رژیم‌های پایش صادرات به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیستند. این رژیم‌ها ترتیبیاتی غیررسمی میان گروهی از کشورهای همسو - غالباً کشورهای پیشرفته صنعتی - هستند که به طور داوطلبانه به این رژیم‌ها پیوسته و هیچ تعهد حقوقی برای پای‌بندی به موازین آنها ندارند (De Bruin, 2022: 34-36; Gualtieri, 2000: 467-468; Joiner, 2004: 183-185). «اسناد مبنایی» رژیم‌های پایش صادرات اثر حقوقی لازم الاجرائی ندارند بلکه صرفاً توصیه‌هایی هستند که هر کشور عضو به طور اختیاری آنها را در قوانین و مقررات داخلی خود به اجرا در می‌آوردند بدین نحو که انتقال اقلام مشمول رژیم در قوانین و مقررات صادراتی کشور عضو حسب مورد ممنوع یا منوط به نوعی مجوز خاص می‌شود که طبق شرایط رهنمودنامه رژیم اعطا می‌شود. عدم پای‌بندی به موازین رژیم موجب مسئولیت کشورهای عضو نبوده و اساساً ضمانت اجرایی برای پای‌بندی به این موازین یا سازوکاری جهت احراز عدم پای‌بندی به آنها وجود ندارد. بدین لحاظ است که اسناد مبنایی رژیم‌های چندجانبه پایش صادرات را از نوع اسناد حقوق نرم تلقی کرده‌اند (Joiner, 2004: 190-191). علت اینکه رژیم‌های چندجانبه پایش صادرات به صورت حقوق نرم پی‌ریزی شده‌اند این است که دولت‌ها در اموری که به حاکمیت ملی و منافع امنیتی و نظامی آنها مربوط می‌شود، به سختی حاضر به پذیرش تعهدات حقوق سخت هستند. افزون بر این، تحولات سریع فناوری‌های نظامی، نوعی انعطاف‌هنجاری را در رژیم‌های پایش صادرات ایجاد می‌کند که از رهگذر ماهیت حقوق نرم این رژیم‌ها حاصل می‌شود (Gualtieri, 2000: 468-470; Joiner, 2004: 190-195).

۳- نگاهی اجمالی به رژیم پایش فناوری موشکی

مشار رژیم پایش فناوری موشکی به دهه ۸۰ میلادی باز می‌گردد که دولت آمریکا به خطرات ناشی از برنامه‌های موشکی کشورهای در حال توسعه پی برده و درصدد جلوگیری از اشاعه فناوری ساخت انواع موشک‌ها به ویژه موشک‌های بالستیک برآمد. از آنجایی که موشک‌های بالستیک وسیله اصلی پرتاب سلاح‌های هسته‌ای محسوب می‌شوند، عدم گسترش فناوری ساخت آنها مکملی

^۱ The Wassenaar Arrangement

^۲ برای توضیح بیشتر درباره پیشینه و ساختار رژیم‌های چهارگانه پایش صادرات اقلام نظامی از جمله نک آمینیان و سجادی، ۱۳۹۶: ۵۴-۶۵ (Aminian and Sajjadi, 2017: 54-65) همچنین نک Gualtieri, 2000: 471-481 Whang, 2015: 114-130 ۱۸۸-۱۸۱: ۲۰۰۴

^۳ «اسناد مبنایی» (originating documents) رژیم‌های چهارگانه پایش صادرات از الگویی یکسان پیروی می‌کنند. نخست، سندی که موازین کلی رژیم در آن تبیین شده است و «رهنمودنامه» (guidelines) خوانده می‌شود. سند دوم فهرستی از اقلام کالاها و فناوری‌هایی است که صدور یا انتقال آنها باید حسب موازین رهنمودنامه ممنوع یا محدود شود. از این فهرست‌های اقلام با تعابیری همچون «فهرست ماشه» (trigger list)، «فهرست پایش» (control list)، «فهرست پیوست» (annex list) یاد می‌شود. فهرست‌های اقلام نقشی اساسی در رژیم‌های پایش صادرات به عهده دارند چه به طور دقیق کالاها و فناوری‌های نیازمند «پایش» را مشخص می‌کنند به طور مستمر روزآمد می‌شوند.

برای رژیم عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای تلقی می‌شد (Ozga, 1994:66). پس از چندین سال مذاکره در دهه ۸۰ میلادی با هدایت آمریکا و در قالب گروه هفت (شامل کانادا، آلمان غربی سابق، ایتالیا، ژاپن، فرانسه، بریتانیا و ایالات متحده) در ۱۶ آوریل ۱۹۸۷ توافق اعضای گروه هفت درباره تأسیس یک رژیم پایش صادرات در خصوص تجهیزات و فناوری‌های مربوط به ساخت موشک اعلام شد^۱ و سند «رهنمودنامه» این رژیم به همراه نخستین «پیوست تجهیزات، نرم‌افزار و فناوری» منتشر شد.^۲

در صدر بند ۱ نسخه اولیه رهنمودنامه رژیم پایش فناوری موشکی هدف این رژیم جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای ذکر شده بود (MTCR Agreement, 1987:para.1) اما با اصلاح بند ۱ رهنمودنامه در سال ۱۹۹۳ دامنه این رژیم به سایر سلاح‌های کشتار جمعی نیز تسری یافت. بدین ترتیب در بند ۱ اصلاحی رهنمودنامه در خصوص هدف این رژیم چنین می‌خوانیم: «هدف این رهنمودنامه کاهش خطرات ناشی از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی (یعنی سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی از طریق پایش انتقال [اقلامی] است که می‌توانند در ساخت سامانه‌های پرتاب [این سلاح‌ها] (به جز هواپیماهای سرنشین‌دار) استفاده شوند» (MTCR Guidelines, [n.d.]: para.1) نکته اساسی دیگری که در بند فوق به وضوح منعکس شده است اینکه رژیم پایش فناوری موشکی علاوه بر سامانه‌های موشکی شامل سامانه‌های هواگرد بدون سرنشین -از جمله به اصطلاح پهپادها- نیز می‌شود.

اقلام کالاها و فناوری‌هایی که صدور یا انتقال آنها باید طبق رهنمودنامه مورد پایش قرار گیرند، در سند پیوست فنی مشخص شده و مستمراً روزآمد سازی می‌شوند. آیین اقلام، به اقلام «رده اول»^۴

^۱ اعضای گروه هفت، ۱۰ روز قبل از اعلام عمومی تشکیل رژیم پایش فناوری موشکی، در تاریخ ۷ آوریل ۱۹۸۷ از طریق مبادله نامه با یکدیگر تصمیم خود در خصوص پای‌بندی به موازین رهنمودنامه را متقابلاً به هم‌دیگر اعلام کرده بودند. در بند پایانی رهنمودنامه از «همه کشورهای» دعوت شده است که به نفع «صلح و امنیت بین‌المللی» به این رهنمودنامه ملحق شوند (MTCR Guidelines, [n.d.]: para.8). با این وصف، رویه این است که درخواست عضویت اعضای جدید با تصمیم نشست عمومی سالانه کشورهای عضو پذیرفته می‌شود که به صورت اجماعی تصویب می‌شود. تأکید بر این نکته ضروری است که اگرچه رژیم پایش فناوری موشکی توسط قدرت‌های غربی و با پیشگامی آمریکا پایه‌گذاری شد اما در سال‌های بعد بسیاری از کشورهای غیرغربی نیز به این رژیم پیوسته یا به اجرای آن ملتزم شده‌اند. در حال حاضر ۳۵ کشور عضو رژیم پایش فناوری موشکی بوده و چهار کشور نیز بدون عضویت به اجرای موازین آن متعهد شده‌اند. این همه نشانگر توجه روزافزون جامعه جهانی به اعمال رژیم پایش فناوری موشکی است.

^۲ رژیم پایش فناوری موشکی بر دو سند بنا شده است: نخست رهنمودنامه رژیم با عنوان رسمی «رهنمودنامه انتقال اقلام حساس مربوط به موشک» (Guidelines for Sensitive Missile-Relevant Transfers) که شامل هفت بند می‌باشد و به «رهنمودنامه رژیم پایش فناوری موشکی (MTCR Guidelines) معروف است. دوم، فهرست اقلام موضوع رژیم با عنوان رسمی «پیوست تجهیزات، نرم‌افزار و فناوری» (Equipment, Software and Technology Annex) که به «پیوست فنی» (Technical Annex) نیز معروف بوده و به رهنمودنامه ضمیمه شده است.

^۳ در زمان نگارش مقاله حاضر آخرین روزآمدسازی پیوست فنی در نشست عمومی مورخ ۱۵ ژوئن ۲۰۲۳ اعضا به تصویب رسیده است.

^۴ Category I

هر چند معیارهای بند ۳ رهنمودنامه باید در خصوص اعطای مجوز انتقال اقلام ردهٔ دوم لحاظ شود. (MTCR Guidelines, [n.d.]: paras. 2 and 3).

۴- الزام آورسازی رژیم پایش فناوری موشکی در قالب قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت

چنانکه در مقدمه اشاره شد، مجرای اصلی الزام آورسازی رژیم پایش فناوری موشکی از رهگذر فصل هفتم منشور ملل متحد، قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه کره شمالی و ایران بوده است. در سطور آتی به اختصار قطعنامه‌های یادشده را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۴-۱- ادغام رژیم پایش فناوری موشکی در ساختار تحریم‌های کره شمالی

در پی خروج کره شمالی از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و انجام نخستین آزمایش هسته‌ای این کشور در سال ۲۰۰۶، شورای امنیت قطعنامهٔ (۲۰۰۶) ۱۷۱۸ را در تاریخ ۱۴ اکتبر ۲۰۰۶ به تصویب رساند. در این قطعنامه که طبق فصل هفتم و به موجب ماده ۴۱ منشور ملل متحد صادر شده، شورای امنیت از کره شمالی خواسته است که از هرگونه آزمایش هسته‌ای یا پرتاب موشک بالستیک خودداری کرده و اعلام خروج خود از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را بازپس گیرد. اما در بند ۸ این قطعنامه بود که برای نخستین بار فهرست اقلام موضوع رژیم پایش فناوری موشکی در یک تحریم مصوب شورای امنیت وارد شد. در جزء «الف» بند مذکور شورای امنیت چنین تصمیم گرفته است: «تصمیم می‌گیرد همه کشورهای عضو باید از تأمین، فروش و یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم موارد زیر به جمهوری دموکراتیک خلق کره [کره شمالی]، از طریق سرزمین آنها یا اتباع آنها، یا با استفاده از کشتی‌ها یا هواپیماهای حامل پرچم آنها، و خواه از قلمرو آنها منشأ داشته باشند یا نباشند، جلوگیری کنند: ... (۲) ... کلیه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌هایی که در فهرست‌های مندرج در اسناد S/2006/814 و S/2006/815 آمده است، ...» (UNSC Res. (1718, 2006: para.8. a. ii

اسنادی که در بند فوق به آنها ارجاع شده در واقع نامه‌های مورخ ۱۳ اکتبر ۲۰۰۶ نماینده دائم فرانسه در سازمان ملل متحد هستند که خطاب به رئیس شورای امنیت ارسال شده و در آنها درخواست شده است تا فهرست‌های پیوست شده به این نامه‌ها در زمره اسناد شورای امنیت قرار گیرند. فهرست‌های پیوست شده به نامهٔ شمارهٔ «S/2006/814» فهرست‌های منضم به دو رهنمودنامهٔ گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای هستند. اما فهرست منضم به نامهٔ شمارهٔ «S/2006/815» همان «پیوست تجهیزات، نرم‌افزار و فناوری» رژیم پایش فناوری موشکی است. در ادامه بند ۸، کره شمالی مکلف گردیده است از صادرات تمام اقلام مندرج در فهرست‌های مذکور خودداری نماید و تمام کشورهای عضو نیز موظف شده‌اند از خریداری این اقلام از کره شمالی توسط اتباع خود جلوگیری نمایند و هیچ‌کدام از این اقلام را از قلمرو خود یا توسط اتباع خود به کره شمالی انتقال ندهند. در واقع دو سند مورد اشاره در بند ۸ قطعنامهٔ ۱۷۱۸، نماینده دو رژیم پایش صادرات غیررسمی (گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای و رژیم پایش فناوری موشکی) هستند که با ادغام فهرست‌های اقلام

آنها در تحریم موضوع بند ۸ این قطعنامه، مستظهر به فصل هفتم منشور ملل متحد، عملاً قدرت الزامی پیدا کردند.

بدین سان، شورای امنیت دو سال پس از تصویب قطعنامه ۱۵۴۰- که در بند نخست مقدمه قطعنامه ۱۷۱۸ به آن اشاره شده است - این بار پای‌بندی اجباری به رژیم پایش فناوری موشکی را نه به صورت تکلیفی عام بلکه به صورت تحریم اقتصادی مستند به ماده ۴۱ منشور ملل متحد علیه کره شمالی مقرر داشت. حاصل اینکه اعمال رژیم پایش فناوری موشکی علیه کره شمالی برای «همه کشورهای عضو [سازمان ملل متحد] طبق ماده ۲۵ و فصل هفتم منشور ملل متحد به تعهدی لازم-الاجرا مبدل شده است. این در حالی بود که نه تنها اعمال این رژیم برای خود اعضای آن اختیاری است بلکه اساساً اکثریت کشورهای عضو سازمان ملل متحد، از جمله یک عضو دائم شورای امنیت یعنی چین، عضو این رژیم نمی‌باشند (Asada, 2017: 37).

۴-۲- ادغام رژیم پایش فناوری موشکی در ساختار تحریم‌های ایران

چنانکه می‌دانیم پس اینکه موضوع برنامه هسته‌ای ایران در دستور کار شورای امنیت قرار گرفت، بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ شش قطعنامه فصل هفتمی در این شورا علیه ایران به تصویب رسید. در این میان، قطعنامه ۱۷۳۷ به عنوان نخستین قطعنامه تحریمی علیه ایران در سال ۲۰۰۶ به تصویب رسید. در این قطعنامه بود که فهرست‌های اقلام رژیم پایش فناوری موشکی در ساختار تحریم‌های ایران ادغام شد که بعداً در قطعنامه ۱۹۲۹ مصوب ۲۰۱۰ تشدید شدند. در سطور آتی به بررسی مفاد این دو قطعنامه می‌پردازیم.

۴-۲-۱- قطعنامه ۱۷۳۷

قطعنامه (۲۰۰۶) ۱۷۳۷ در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۶ به تصویب شورای امنیت رسیده است. این قطعنامه طبق ماده ۴۱ منشور ملل متحد تصویب شد. در بندهای ۳، ۵ و ۷ قطعنامه ۱۷۳۷ از سند شماره S/2006/815 - که همان فهرست اقلام پیوست رژیم پایش فناوری موشکی است - برای وضع تحریم علیه ایران استفاده شد. در بند ۳ این قطعنامه شورای امنیت: «تصمیم می‌گیرد که همه کشورهای باید تمام اقدامات لازم را انجام دهند تا از تأمین، فروش و یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم تمام اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌ها از قلمرو آنها یا توسط اتباع آنها یا با استفاده از کشتی‌ها یا هواپیماهای تحت پرچم آنها، به ایران یا برای ایران جلوگیری شود... [این اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌ها] عبارتند از: ... (ج) موارد مصرح در سند «S/2006/815» به جز تأمین، فروش یا انتقال اقلام ذیل «19.A.3» از رده دوم» (UNSC Res. 1737, 2006: para.3) بدین ترتیب صادرات اقلام موضوع رژیم پایش فناوری موشکی از «سوی همه کشورها» به ایران ممنوع شده است. تنها استثنا در این مورد، اقلام ذیل عنوان «19.A.3» رده دوم یعنی «پهپادهای گردپاش» هستند

۱. «پهپاد گردپاش» (aerosol dispenser drone) پهپادی است که دارای دستگاه پخش‌کننده ذرات گرد (ذرات ریز مایع یا جامد) در هوا است. این گونه پهپادها در کشاورزی به ویژه برای سم‌پاشی کاربرد دارند اما می‌توان از آنها برای پرتاب سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی نیز استفاده کرد (MTCR Handbook, 2017: 334-336).

که استثنای مذکور نیز طبق بند ۸ قطعنامه ۱۸۰۳ مصوب سال ۲۰۰۸ لغو شد (UN Sec Res. 1803, 2008: para.8). از سوی دیگر، بند ۷ قطعنامه ۱۷۳۷ صادرات تمام اقلام مندرج در فهرست سند «S/2006/815» از ایران به کشورهای دیگر را ممنوع کرده و تأکید می‌کند «تمام کشورهای عضو [سازمان ملل متحد] باید خرید این اقلام توسط اتباع خود یا با استفاده از کشتی‌ها و هواپیماهای تحت پرچم خود، از ایران را ممنوع کنند» (UNSC Res. 1737, 2006: para.7).

بدین تقریر، بررسی قطعنامه ۱۷۳۷ نشان می‌دهد که شورای امنیت در چارچوب تحریم‌های خود علیه ایران تدابیری بدیع در راستای الزام‌آورسازی رژیم پایش فناوری موشکی اتخاذ کرده است. در حالیکه رهنمودنامه خود این رژیم در مورد اقلام رده اول توصیه به این کرده است که «فرض قوی» را بر رد درخواست مجوز صادراتی این اقلام قرار داده و در مورد اقلام رده دوم «احتیاط» را لحاظ کنند، قطعنامه ۱۷۳۷ هرگونه تأمین، فروش و یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم اقلام فهرست‌شده در پیوست فنی رژیم را به ایران و حتی از ایران را مطلقاً ممنوع کرده است چنانکه گویی بدین سان ایران اجباراً به عضویت این رژیم در آمده است.

۴-۲-۲- قطعنامه ۱۹۲۹

چنانکه قبلاً اشاره شد، قطعنامه (۲۰۱۰) ۱۹۲۹ مورخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰ تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران را از جمله در پیوند با رژیم پایش فناوری موشکی گسترش داد. در وهله نخست، در این قطعنامه فهرست منضم به سند «S/2006/815» با فهرست روزآمدشده‌ای جایگزین شد. افزون بر این، در بندهای ۱۴ الی ۱۸ قطعنامه ۱۹۲۹ تدابیر متعددی برای تقویت اجرای تحریم‌های موضوع بند ۳ قطعنامه ۱۷۳۷ - از جمله منع هرگونه تأمین، فروش و یا انتقال اقلام مندرج در پیوست رژیم پایش فناوری موشکی - پیش‌بینی شده است. در بند ۱۴ قطعنامه ۱۹۲۹ از همه کشورهای خواسته شده است همه محموله‌هایی که از مبدأ یا به مقصد ایران در قلمرو آنها، از جمله فرودگاه‌ها و بندرها، قرار می‌گیرند را بازرسی کنند تا چنانچه حاوی اقلام موضوع تحریم بند ۳ قطعنامه ۱۷۳۷ هستند، کشف و توقیف شوند (UNSC Res. 1929, 2010: para.14). طبق بند ۱۵ قطعنامه ۱۹۲۹ همه کشورهای مجاز شده‌اند کشتی‌های مظنون به حمل اقلام موضوع تحریم بند ۳ قطعنامه ۱۷۳۷ را با رضایت کشور صاحب پرچم بازرسی کنند و از کشور صاحب پرچم نیز خواسته شده در این خصوص «همکاری کند» (UNSC Res. 1929, 2010: para.15).

از سوی دیگر باید به بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ اشاره کرد. طبق بند مذکور شورای امنیت «تصمیم می‌گیرد که ایران نباید هیچ‌گونه فعالیت مربوط به موشک‌های بالستیک قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای و از جمله پرتاب‌های با استفاده از فناوری موشک بالستیک انجام دهد. . . اهمیت بند

^۱ . طبق بند ۱۳ این قطعنامه شورای امنیت «... تصمیم می‌گیرد که به منظور اجرای اقدامات مقرر در بندهای ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ قطعنامه (۲۰۰۶) ۱۷۳۷ فهرست اقلام مندرج در [سند] S/2006/263 جایگزین فهرست اقلام مندرج در [سند] S/2006/815 شود.» (UNSC Res. 1929, 2010: para.13) سند «S/2006/263» نامه مورخ ۲۷ مه ۲۰۱۰ نماینده دائم بریتانیا در سازمان ملل است که آخرین نسخه پیوست رژیم پایش فناوری موشکی را به عنوان سند شورای امنیت به ثبت رسانده است.

فوق از حیث رژیم پایش فناوری موشکی ناشی از تفسیری است که قدرت‌های غربی از عبارت « موشک‌های بالستیک قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای »^۱ در این بند ارائه کردند. توضیح اینکه در پی آزمایش موشک بالستیک «عماد» در ۱۸ مهرماه ۱۳۹۴ (۱۰ اکتبر ۲۰۱۵) از سوی ایران و در حالیکه قطعنامه ۱۹۲۹ هنوز به اعتبار خود باقی بود، آمریکا و قدرت‌های اروپایی به این اقدام ایران واکنش نشان داده و آن را «نقض احتمالی» قطعنامه ۱۹۲۹ توصیف کردند. آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان طی نامه‌ای مشترک به کمیته تحریم‌های ایران (کمیته قطعنامه ۱۷۳۷) خواستار اظهار نظر «هیأت کارشناسان»^۲ این کمیته در خصوص مغایرت آزمایش موشکی ۱۰ اکتبر ایران با بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ شدند. در پاسخ به این درخواست، هیأت کارشناسان طی گزارش مورخ ۱۱ دسامبر ۲۰۱۵ خود اعلام نمود که «براساس تحلیل و یافته‌ها خود به این نتیجه رسیده که آزمایش موشک عماد نقض بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ توسط ایران بوده است». آنچه در این گزارش به ویژه در خور درنگ است معیاری است که هیأت کارشناسان برای تشخیص اینکه موشک عماد، یک «موشک بالستیک قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای» است، به کار برد. طبق گزارش هیأت مذکور «موشک بالستیک قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای، موشکی است که قابلیت حمل حداقل ۵۰۰ کیلوگرم بار مفید را داشته و برد آن حداقل ۳۰۰ کیلومتر باشد» و چون برد موشک «عماد» حداقل ۱۰۰۰ کیلومتر بوده و قابلیت حمل حداقل ۱۰۰۰ کیلوگرم بار را دارد، بنابراین در زمره سامانه‌های رده اول قرار می‌گیرد.^۴ طبعاً معیار یادشده، در واقع همان معیار قابلیت حمل بار/برد سامانه‌های رده اول رژیم پایش فناوری موشکی است.^۵

۵- کاربست رژیم پایش فناوری موشکی در ساختار قطعنامه ۲۲۳۱

یک هفته پس از پذیرش متن نهایی برجام از سوی ایران و گروه کشورهای «۱+۵»، قطعنامه (۲۰۱۵) ۲۲۳۱ در مورخ ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ به تصویب شورای امنیت رسید. در این قطعنامه که به

^۱. Missiles capable of delivering nuclear weapons

^۲. لازم به توضیح است که به دلالت بند ۵ و جزء «الف» بند ۷ قطعنامه ۲۲۳۱، این قطعنامه در تاریخ ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶ (به اصطلاح «روز اجرا» (Implementation Day) در جدول زمانی برنامه اجرای برجام) به اجرا در آمد و لذا قطعنامه ۱۹۲۹ تا این تاریخ به اعتبار خود باقی بوده در تاریخ مذکور لغو شد. (UNSC Res. 2231, 2015: paras. 5 and 7.a).

^۳. لازم به توضیح است که «هیأت کارشناسان» (Panel of Experts) هیأتی مرکب از ۸ کارشناس منصوب دبیرکل سازمان ملل بود که طبق بند ۲۹ قطعنامه ۱۹۲۹ به عنوان کارنهاد تخصصی وابسته به کمیته تحریم‌های ایران (کمیته قطعنامه ۱۷۳۷) - که خود طبق بند ۱۸ قطعنامه ۱۷۳۷ به منظور نظارت بر اجرای تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران تأسیس شده بود - تشکیل شد.

^۴. لازم به ذکر است که این گزارش در دسترس عموم قرار نگرفت اما مفاد آن در رسانه‌ها منتشر شد. در این خصوص نک Charbonneau, 2015

^۵. ذکر این نکته نیز ضروری است که هیأت کارشناسان کمیته تحریم‌های ایران (کمیته قطعنامه ۱۷۳۷) قبلاً در گزارش‌های دوره‌ای خود به این کمیته بدون اشاره صریح به معیار شاخص‌های قابلیت حمل بار/برد سامانه‌های رده اول رژیم پایش فناوری موشکی، موشک‌های «شهاب ۳»، «قادر ۱» و «سجیل» را به عنوان موشک‌های قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای تشخیص داده بود. در این خصوص نک Panel of Experts, 2015: para.19

استناد ماده ۲۵ منشور ملل متحد صادر شده است، شورای امنیت ضمن «تأیید» برجام، از همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد و نیز سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای خواسته است اقدامات لازم را برای اجرای برجام اتخاذ کرده و از اقداماتی که اجرای برجام را تضعیف می‌کند، خودداری نمایند (UNSC Res. 2231, 2015: paras. 1 and 2). همچنین به موجب جزء «الف» بند ۱۷ این قطعنامه، شش قطعنامه قبلی شورای امنیت علیه ایران، از جمله قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۹۲۹، لغو شد (UNSC Res. 2231, 2015: para. 7. a). قطعنامه ۲۲۳۱ دارای دو پیوست «الف» و «ب» است. پیوست «الف» عیناً متن برجام است که در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ از سوی ایران و گروه «۵+۱» پذیرفته شده بود. اما پیوست «ب» با عنوان «بیانیه» سندی است که از سوی کشورهای عضو گروه «۵+۱» و اتحادیه اروپا تنظیم شده و در آن مقرراتی به قطعنامه ۲۲۳۱ اضافه شده است. به تصریح مقدمه این بیانیه، گروه ۱+۵ و اتحادیه اروپا مشارکت خود در برجام را منوط به این دانسته‌اند که شورای امنیت مقررات بیانیه را برای همه کشورهای الزامی سازد. در این راستا، شورا در بند ۷ قطعنامه ۲۲۳۱: «تصمیم می‌گیرد طبق ماده ۴۱ منشور ملل متحد، پس از آن که شورای امنیت گزارش موضوع بند ۵ را از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دریافت کرد: الف) . . . ب) همه کشورهای باید بندهای ۱ و ۲ و ۴ و ۵ و مقررات جزء «الف» تا «و» بند ۶ پیوست «ب» را در مدت مقرر در هر بند یا جزء رعایت کنند و از آن‌ها خواسته می‌شود بندهای ۳ و ۷ پیوست «ب» را نیز رعایت کنند» (UNSC Res. 2231, 2015: para. 7. a). بدین ترتیب، شورای امنیت طبق ماده ۴۱ منشور ملل متحد، «همه کشورهای» را - طبعاً عموم این عبارت شامل ایران نیز می‌شود - موظف به رعایت بندهای مختلف پیوست «ب» کرده است هرچند واژه‌پردازی متفاوتی در مورد بندهای ۱ و ۲ و ۴ و ۵ از یک سو و بندهای ۳ و ۷ از سوی دیگر، به کار رفته است که در جای خود بدان خواهیم پرداخت. اما در این میان بندهای ۳ و ۴ پیوست «ب» به رژیم پایش فناوری موشکی ارتباط پیدا می‌کنند.

۵-۱- فعالیت‌های مربوط به موشک‌های بالستیک موضوع بند ۳ پیوست «ب»

بی‌گمان چالش‌انگیزترین قسمت از مقررات پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ در بند ۳ این قطعنامه پیش‌بینی شده است که درباره فعالیت‌های ایران در زمینه موشک‌های بالستیک است. در این بند چنین می‌خوانیم: «از ایران خواسته می‌شود به مدت هشت سال از روز پذیرش برجام یا تا زمانی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش «نتیجه کلی»^۳ را ارائه نماید، هر کدام زودتر باشد، هیچ فعالیتی در خصوص موشک‌های بالستیک طراحی شده برای اینکه قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای باشند، از جمله پرتاب‌های با استفاده از فناوری‌های موشک‌های بالستیک، انجام ندهد.» بند فوق در واقع به عنوان جایگزین بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ در پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ درج شده بود. اما سه تفاوت

^۱. Statement

^۲. برای تحلیل ارتباط برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ نک Haupt, 2016

^۳. منظور از گزارش «نتیجه کلی» (the Broader Conclusion) گزارش موضوع بند ۶ قطعنامه ۲۲۳۱ است که به موجب آن مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت اعلام می‌کند که «همه موارد هسته‌ای در ایران در فعالیت‌های صلح‌آمیز استفاده می‌شوند» (UNSC Res. 2231, 2015: para. 5)

بین این دو بند وجود دارد. در وهله نخست، باید به تفاوت در واژه‌پردازی دو بند اشاره کرد. بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ با عبارت «تصمیم می‌گیرد که ایران نباید . . .» استفاده شده که به وضوح وجه دستوری داشته و بنابر رویه شورای امنیت دلالت بر تکلیف الزامی و حقوقی دارد.^۱ این در حالی است که بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ با عبارت «از ایران خواسته می‌شود . . .» شروع شده است که عموماً پذیرفته شده در رویه شورای امنیت دلالت بر توصیه داشته و قدرت الزامی آن اندک است.^۲ تفاوت دوم اینکه بین بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ و بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ در این است که محدودیت مقرر در بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ مقید به مدت معین یعنی «هشت سال از تاریخ پذیرش برجام» است به طوری که مدت اعتبار آن در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳ به پایان رسید.

اما تفاوت کلیدی بین بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ و بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ که بعداً به تنش‌های مستمر بین ایران و قدرت‌های غربی انجامید، ناظر به عبارت «موشک‌های بالستیک طراحی شده برای اینکه قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای باشند»^۳ در بند ۳ پیوست «ب» بود که در مقابل عبارت «موشک‌های بالستیک قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای» در بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ تنظیم شده بود. از آنجایی که معنی واژه «طراحی شده»^۴ در قطعنامه تعریف نشده، این عبارت تاب تفسیرهای مختلف دارد. به تعبیر هیت این واژه به دو صورت ذهنی و عینی قابل تفسیر است (Haupt, 2016: 452-454). برداشت ذهنی از این واژه این است که برای اینکه موشک بالستیک مشمول بند ۳ پیوست «ب» واقع شود، باید به منظور پرتاب سلاح هسته‌ای طراحی شده باشد. ایران همین برداشت را از بند یادشده ارائه می‌کرد به طوری که در بیانیه مورخ ۲۵ اوت ۲۰۱۵ دولت جمهوری اسلامی ایران که برای بیان مواضع ایران در خصوص قطعنامه ۲۲۳۱ منتشر شد، در مورد بند ۳ پیوست «ب» تأکید شده است که: «توانمندی‌های نظامی ایران از جمله موشک‌های بالستیک، منحصرأ برای دفاع مشروع هستند. این تجهیزات برای پرتاب سلاح هسته‌ای طراحی نشده‌اند و بنابراین، خارج از حیطه یا صلاحیت قطعنامه شورای امنیت و پیوست‌های آن هستند» (Government of the Islamic Republic of Iran, 2015: para.11).

اما در مقابل، آمریکا و سه کشور اروپایی عضو گروه ۵+۱ کوشیدند با استفاده از معیار شاخص - های قابلیت حمل بار (۵۰۰ کیلوگرم)/برد (۳۰۰ کیلومتر) رژیم پایش فناوری موشکی، تفسیری عینی و البته موسع از عبارت «موشک‌های بالستیک طراحی شده برای اینکه قادر به پرتاب سلاح‌های

^۱ . . . "Decides that Iran shall not . . ."

^۲ . در این خصوص نک Gruenberg, 2009: 487

^۳ "Iran is called upon not to . . ."

^۴ . در این خصوص نک Gruenberg, 2009: 488

^۵ Ballistic missiles designed to be capable of delivering nuclear weapons

^۶ . Designed

^۷ . لازم به ذکر است که دو عبارت «specially designed» و «designed or modified» در سند پیوست رژیم پایش فناوری موشکی تعریف شده‌اند اما این تعاریف در ارتباط با عبارات خاص این سند ارائه شده و برای تفسیر بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ مفید نیستند. در این خصوص نک Haupt, 2016: 452-453

هسته‌ای باشند» ارائه می‌کردند. کمتر از دو ماه پس از اجرایی شدن قطعنامه ۲۲۳۱ در جریان یک رزمایش موشکی که توسط نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اسفند ۱۳۹۴ (مارس ۲۰۱۶) برگزار شد، چند موشک بالستیک از جمله موشک‌های «قیام ۱»، «شهاب ۳» و «قدر ایچ» شلیک شدند. به دنبال این رزمایش آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان طی نامه مشترک مورخ ۲۸ مارس ۲۰۱۶ به دبیرکل سازمان ملل متحد، اقدام ایران به پرتاب موشک‌های مذکور را «مغایر»^۱ بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ دانستند بدین استدلال که عبارت «موشک‌های بالستیک طراحی شده برای اینکه قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای باشند» در قطعنامه ۲۲۳۱ «شامل همه سامانه‌های رده اول رژیم پایش فناوری موشکی می‌شود که به سامانه‌های قادر به حمل حداقل ۵۰۰ کیلوگرم بار مفید و برد حداقل ۳۰۰ کیلومتر تعریف شده‌اند» و این گونه سامانه‌ها «ذاتاً قادر به پرتاب کلاهک هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی هستند» بدین ترتیب، قدرت‌های غربی تفسیری که نخست از سوی هیأت کارشناسان کمیته قطعنامه ۱۷۳۷ مطرح شد، یک گام جلوتر برده و سامانه‌های رده اول رژیم پایش فناوری موشکی را «ذاتاً» قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای دانستند. در عین حال، مسأله شلیک موشک‌های بالستیک در جریان رزمایش موشکی مارس ۲۰۱۶ در جلسات ۱۴ مارس و اول آوریل ۲۰۱۶ شورای امنیت مطرح اما به گواهی نخستین گزارش شش ماهه دبیرکل در خصوص اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ «هیچ اجماعی بین اعضای شورای امنیت در خصوص اینکه پرتاب‌های یادشده مشمول قطعنامه ۲۲۳۱ هستند، حاصل نشد» (UN Secretary-General, 2016: paras.19-)

(23)

موضع پیش گفته آمریکا و سه عضو اروپایی برجام در خصوص اعمال معیار قابلیت حمل بار/برد سامانه‌های رده اول رژیم پایش فناوری برای تفسیر بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ در طول هشت سال اجرای بند مذکور به دفعات تکرار شد.^۲ برای نمونه در پی گزارش‌هایی در خصوص آزمایش

^۱ . باید در نظر داشت که قدرت‌های غربی در مورد بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ همواره از تعبیر «مغایر» (inconsistent with) به جای «نقض» (violation) استفاده می‌کردند که ظاهراً به لحاظ قدرت الزامی اندک واژه پردازی این بند بود.

^۲ . Inherently

^۳ . لازم به توضیح است که طبق بند پایانی بیانیه پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ از دبیرکل سازمان ملل متحد خواسته شده است هر شش ماه در خصوص اجرای این قطعنامه به شورای امنیت گزارش دهد. برای ملاحظه این گزارش‌ها نک <https://www.un.org/securitycouncil/content/2231/reports-secretary-general>

^۴ . آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان در نامه مشترک دیگری به دبیرکل سازمان ملل متحد در تاریخ ۷ فوریه ۲۰۱۷ - که بعد از آزمایش موشک میان‌برد «خرم‌شهر» در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۷ ارسال شده است - مجدداً مواضع مشترک خود در مورد تفسیر بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ را تکرار کردند. ظاهراً به لحاظ خروج آمریکا از برجام در ۸ مه ۲۰۱۸، از این مقطع آمریکا و سه کشور اروپایی به طور جداگانه در مورد امور مربوط به برجام با سازمان ملل متحد مکاتبه می‌کردند. از نوامبر ۲۰۱۸ تا اکتبر ۲۰۲۳، مجموعاً ۱۴ نامه مشترک از طرف سه کشور اروپایی عضو برجام به عنوان رئیس شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال شده است که در آنها ضمن تأکید مکرر بر تفسیر بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ طبق شاخص‌های دوگانه سامانه‌های رده اول رژیم پایش فناوری موشکی، ایران به اقدامات «مغایر» قطعنامه ۲۲۳۱ متهم شده است. همچنین آمریکا نیز بین مارس ۲۰۱۹ و ژوئن ۲۰۲۲ مجموعاً طی هفت نامه مواضع مشابه خود را در خصوص اعمال معیار سامانه‌های رده اول رژیم پایش فناوری موشکی در تفسیر بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ اعلام

موشک بالستیک میان‌برد «خرمشهر» از سوی ایران در آذر ۱۳۹۷ (دسامبر ۲۰۱۸)، دولت‌های فرانسه و آلمان و بریتانیا طی دو نامه مشترک به تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۸ خطاب به رئیس شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل متحد، مجدداً تأکید کردند که عبارت «موشک‌های بالستیک طراحی شده برای اینکه قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای باشند» در بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ شامل همه سامانه‌های رده اول رژیم پایش فناوری موشکی می‌شود... که ذاتاً قادر به پرتاب سلاح‌های هسته‌ای هستند» لذا از آنجایی که موشک آزمایش شده در اول دسامبر ۲۰۱۸ یک سامانه رده اول رژیم پایش فناوری موشکی محسوب می‌شود، اقدام ایران با قطعنامه ۲۲۳۱ مغایرت داشته است (UN Doc. S/2018/1171). همچنین دولت آمریکا نیز در تاریخ ۷ مارس ۲۰۱۹ با ارسال نامه به رئیس شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل متحد، مواضعی مشابه در خصوص بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ بیان کرده و آزمایش موشکی اول دسامبر ۲۰۱۸ ایران را «استنکاف از اراده صریح شورای امنیت» دانست (UN Doc. S/2019/216).

در مقابل، ایران نیز مواضعی صریح در خصوص بهره‌گیری قدرت‌های غربی از رژیم پایش فناوری موشکی داشته است. برای نمونه در پاسخ به نامه ۳۱ دسامبر ۲۰۱۸ سه کشور اروپایی، کاردار موقت هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد طی نامه مورخ ۱۴ ژانویه ۲۰۱۹ به رئیس شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل، ارجاع به رژیم پایش فناوری موشکی برای تفسیر بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ را «گمراه‌کننده» خوانده و آن را «تفسیری خودسرانه» بر اساس «معیارهای باشگاه خصوصی رژیم پایش فناوری موشکی» دانست در حالیکه هیچ اشاره صریح یا ضمنی در بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ به رژیم پایش فناوری موشکی یا تعاریف و ضوابط آن وجود ندارد لذا تفسیر بند یادشده طبق تعاریف و ضوابط رژیم پایش فناوری موشکی نیز کاملاً مردود است. ایران از رژیم پایش فناوری موشکی به یک «رژیم پایش صادرات انحصاری و بسته» تعبیر کرد که ضوابط آن «صرفاً یک تفاهم سیاسی بین ۳۵ کشور عضو آن هستند و لذا از نظر حقوقی حتی برای کشورهای عضو نیز الزام‌آور نیستند». از نظر ایران تلاش قدرت‌های غربی «برای وانمود به اینکه معیارهای [رژیم پایش فناوری موشکی در خصوص قابلیت حمل بار/برد سامانه‌های رده اول] به عنوان یک تعریف جهانی پذیرفته شده، کاملاً غیرقابل قبول است» (UN Doc. S/2019/49). این مواضع ایران عیناً در نامه مورخ ۱۲ آوریل ۲۰۱۹ کاردار موقت هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد در پاسخ به نامه ۷ مارس ۲۰۱۹ دولت آمریکا نیز تکرار شده است (UN Doc. S/2019/315).

چالش دیگری که بین ایران و قدرت‌های غربی در خصوص بند ۳ پیوست «ب» پدید آمد، مسأله پرتابگرهای فضایی بود. چنانکه ذکر شد، در پیوست فنی رژیم پایش فناوری موشکی

کرده و ایران را به اقدام «مغایر» قطعنامه ۲۲۳۱ متهم می‌کرد. همه این مکاتبات پس از آزمایش‌های موشکی و پرتاب‌های فضایی ایران انجام شدند.

«پرتابگرهای فضایی»^۱ در ردیف سامانه‌های رده اول ذکر شده است. بعد از اجرایی شدن قطعنامه ۲۲۳۱ قدرت‌های غربی پرتاب‌های ماهواره‌برهای ایران به فضا را ناقض بند یادشده تلقی می‌کردند زیرا فناوری موشک‌های بالستیک از جهاتی با فناوری پرتابگرهای فضایی شباهت دارند و لذا «پرتاب‌های با استفاده از فناوری‌های موشک‌های بالستیک» تلقی می‌شوند. به دنبال پرتاب آزمایشی ماهواره‌بر سیمرغ از سوی ایران در ۵ مرداد ۱۳۹۶ (۲۷ ژوئیه ۲۰۱۷)، آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان در نامه‌ای مشترک به تاریخ دوم اوت ۲۰۱۷ خطاب به دبیرکل سازمان ملل، اقدام ایران به پرتاب ماهواره‌بر سیمرغ را مغایر بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ اعلام کردند بدین استدلال که پرتابگرهای فضایی نظیر سیمرغ بنا بر معیار قابلیت حمل بار ۵۰۰ کیلوگرم و برد ۳۰۰ کیلوگرم در زمره سامانه‌های رده اول رژیم پایش فناوری موشکی قرار می‌گیرند و لذا «ذاتاً قادر به حمل سلاح-های هسته‌ای هستند» (UN Secretary-General, 2017: para.21).

این رویکرد یکسان‌انگاری پرتابگرهای فضایی با موشک‌های بالستیک قادر به حمل کلاهک-های هسته‌ای، در سال‌های بعد نیز به دفعات از سوی قدرت‌های غربی در واکنش به پرتاب‌های فضایی ایران تکرار شد. برای نمونه پس از اینکه در ۱۷ بهمن ۱۳۹۷ (۶ فوریه ۲۰۱۹) ماهواره «دوستی» با استفاده از ماهواره‌بر «سفیر» به فضا پرتاب شد، آمریکا در نامه‌ای به تاریخ ۷ مارس ۲۰۱۹ و نیز فرانسه، آلمان و بریتانیا طی نامه‌ای مشترک به تاریخ ۲۷ مارس ۲۰۱۹ خطاب به رئیس شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کردند که این اقدام ایران مغایر قطعنامه ۲۲۳۱ بوده است. در نامه مشترک سه کشور اروپایی چنین استدلال شده بود که از آنجایی که ماهواره بر سفیر بر مبنای فناوری موشک‌های «شهاب ۳» و «خرم‌شهر» ساخته شده، با شاخص‌های سامانه‌های رده اول رژیم پایش فناوری موشکی منطبق است. افزون بر این، «فناوری لازم برای طرح اولیه، ساخت و پرتاب پرتابگرهای فضایی با فناوری موشک‌های دوربرد و قاره‌پیما ارتباط نزدیکی دارد. همچنین [پرتاب] پرتابگرهای فضایی یافته‌های تجربی را در اختیار ایران قرار می‌دهد که توانایی [این کشور] برای توسعه سامانه‌های موشکی مذکور افزایش می‌دهد» (UN Doc. S/2019/270) طبعاً این تفسیر از نظر ایران مردود تلقی می‌شد که در پاسخ به نامه‌های فوق اعلام داشت در بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ هیچ اشاره‌ای به رژیم پایش فناوری موشکی نشده است. ایران همچنین بر این مطلب تأکید کرد که «معیارهای رژیم پایش فناوری موشکی از نظر حقوقی حتی برای ۳۵ عضو این رژیم نیز الزام آور نیستند» (UN Doc. S/2019/315)

۵-۲- آیین مجوزدهی انتقال اقلام موضوع بند ۴ پیوست «ب»

بر خلاف بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ که به ادعا و بنابر تفسیر قدرت‌های غربی به طور ضمنی به رژیم پایش فناوری موشکی ارتباط پیدا می‌کرد؛ بند ۴ این پیوست به طور صریح با ارجاع به فهرست اقلام پیوست این رژیم تنظیم شده است. به تفصیلی که گذشت، بندهای ۳ و ۷ قطعنامه

^۱ منظور از «پرتابگرهای فضایی» (space launch vehicles) سامانه‌هایی با پیش‌رانش راکتی هستند که برای پرتاب فضاپیماها، از جمله ماهواره‌ها، به فضای بیرون جو از آنها استفاده می‌شوند. (MTCR Handbook, 2017: 3-4).

۱۷۳۷ شورای امنیت با منع هرگونه «تأمین، فروش و یا انتقال مستقیم یا غیر مستقیم» اقلام فهرست- شده در پیوست رژیم پایش فناوری موشکی به ایران و ازسوی دیگر منع صادرات اقلام مذکور از ایران به کشورهای دیگر، این رژیم را در ساختار تحریم‌های خود علیه ایران ادغام کرده بود. اما بند ۴ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ تحریم را با نوعی «آیین مجوزدهی» جایگزین کرد. در بند مذکور چنین می‌خوانیم: «همه کشورهای می‌توانند در فعالیتهای ذیل مشارکت کرده و اجازه انجام آنها را بدهند، مشروط به اینکه شورای امنیت از قبل و به صورت موردی، مجوز چنین فعالیتهایی را صادر کرده باشد: (الف) تأمین، فروش و یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم همه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌های مندرج در [سند] (S/2015/546) و هرگونه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌هایی که یک کشور تشخیص دهد می‌تواند برای تولید هرگونه سامانه پرتاب سلاح‌های هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد، از قلمرو آنها یا توسط اتباع آنها یا با استفاده از هواپیماها یا کشتی‌های تحت پرچم آنها، خواه از قلمرو آنها منشأ داشته باشد یا نباشد، به [ایران] یا از ایران برای استفاده در [ایران] یا به نفع ایران؛ (ب) ارائه هرگونه فناوری یا آموزش و کمک فنی، کمک مالی، سرمایه‌گذاری، خدمات واسطه‌ای، و نیز ارائه خدمات و یا منابع مالی به ایران، ... به منظور تأمین، فروش، انتقال، تولید و یا استفاده از اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌های مندرج در جزء «الف» و یا مرتبط با فعالیتهای مندرج در بند ۳» (UNSC Res. 2231, 2015: Annex B, para.3)

سند «S/2015/546» آخرین نسخه «پیوست تجهیزات، نرم‌افزار و فناوری» رژیم پایش فناوری موشکی در زمان تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ است که طی نامه مورخ ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۵ نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل به عنوان سند شورای امنیت به ثبت رسیده است.^۲ بنابراین، فروش و صادرات یا هرگونه «انتقال مستقیم و غیرمستقیم» اقلام پایش شده در رژیم پایش فناوری موشکی به ایران و درعین حال، فروش اقلام مذکور از سوی ایران و یا هرگونه «انتقال مستقیم و غیرمستقیم» آنها از این ایران به کشورهای دیگر ممنوع نبوده اما نیازمند مجوز قبلی و موردی شورای امنیت بود. البته باید در نظر داشت که مدت اجرای این آیین مجوزدهی نیز مانند بند ۳ پیوست «ب» به مدت «هشت سال از تاریخ پذیرش برجام» محدود بوده و مدت اعتبار آن در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳ به پایان رسید. نکته درخور توجه اینکه در طول این مدت تنها یک مورد درخواست صدور مجوز انتقال اقلام موضوع بند ۴ به عمل آمد که از سوی شورای امنیت رد شد.^۴

^۱. licensing procedure

^۲. باید در نظر داشت که بند ۴ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ تنها نسخه «پیوست تجهیزات، نرم‌افزار و فناوری» رژیم پایش فناوری موشکی که به عنوان سند «S/2015/546» ثبت شده بود را الزام آور ساخته بود و نسخه‌های روزآمدشده بعد از زمان تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ ملاک عمل نبودند. در این خصوص نک Haupt, 2016: 418-419

^۳. لازم به ذکر است که تشریفات درخواست و صدور مجوزهای موضوع بند ۴ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ در یادداشت مورخ ۱۶ ژانویه رئیس شورای امنیت در خصوص «وظایف شورای امنیت طبق قطعنامه ۲۲۳۱» پیش‌بینی شده بود. طبق بند ۵ این یادداشت صدور مجوزهای موضوع بند ۴ پیوست «ب» طبق به صورت اجماعی و در قالب یک آیین عدم اعتراض به مدت پنج روز انجام می‌شد (President of the Security Council, 2016: para.5).

^۴. این درخواست در اوت ۲۰۱۹ از طرف روسیه برای صدور تعدادی دستگاه «باترون» به ایران تسلیم شورای امنیت

بدین ترتیب، سیاست الزام آورسازی رعایت رژیم پایش فناوری از سوی «همه کشورها» نسبت به ایران و از سوی ایران نسبت به کشورهای دیگر، همچنان در قالب «آیین مجوزدهی» موضوع بند ۴ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ عملاً به مدت ۸ سال ادامه یافت و این در حالی بود که با لحاظ جزء «ب» بند ۷ قطعنامه ۲۲۳۱، بند ۴ پیوست «ب» در قیاس با بند ۳ این پیوست از قدرت الزام آوری بیشتری برخوردار بود. در واقع، به رغم اینکه بند ۴ در ظاهر بیشتر به منظور جلوگیری از انتقال اقلام و فناوری قابل کاربرد در ساخت موشک و پهپاد از کشورهای دیگر به ایران تصویب شده بود، در عمل وجه دیگر محدودیت مقرر در این بند یعنی انتقال اقلام مشمول رژیم پایش فناوری موشکی از ایران به کشورهای دیگر تنش‌ها و چالش‌های سیاسی بیشتری پدید آورد. بدین توضیح که در طول سال‌هایی که بند ۴ پیوست «ب» قابلیت اجرایی داشت، ایران با اتهامات متعددی در خصوص نقض این بند از حیث انتقال بدون مجوز سامانه‌های موشکی و پهپادی و نیز اجزاء و قطعات و تجهیزات ساخت یا کاربرد آنها به کشورهای دیگر مواجه بود. در سال‌های نخست بعد از اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ این اتهامات عمدتاً از سوی رقبای منطقه‌ای ایران به ویژه اسرائیل و عربستان سعودی مطرح می‌شد. از یک سو اسرائیل مدعی انتقال موشک و پهپاد از ایران به گروه‌هایی مانند حزب الله لبنان بود و از سوی دیگر، عربستان سعودی به دفعات ایران را متهم به این می‌کرد که حوثی‌های یمن (گروه انصار الله) را به انواع موشک‌های بالستیک و پهپادهای رزمی مسلح کرده که از آنها برای انجام حملات موشکی و پهپادی علیه عربستان سعودی استفاده می‌کنند.^۱

نقطه اوج اتهامات عربستان سعودی علیه ایران، حمله موشکی و پهپادی ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ به تأسیسات نفتی شرکت «آرامکو» واقع در شهرهای بقیق و خریص عربستان سعودی بود. فارغ از اختلافی که در خصوص انتساب این حمله پدید آمد، مسأله‌ای که در ارتباط با بند ۴ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ مطرح شد، منشأ موشک‌ها و پهپادهای به کار رفته در این حمله بود. در پی این حمله نماینده دائم عربستان سعودی در سازمان ملل متحد طی نامه مورخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۹ به دبیرکل این سازمان و رئیس شورای امنیت، مدعی شد که سلاح‌های به کار رفته در حملات علیه تأسیسات آرامکو ساخت ایران بودند و از سازمان ملل متحد خواست در این خصوص تحقیق کند (UN Doc. S/2019/758). متقابلاً، دولت ایران در نامه مورخ دوم اکتبر ۲۰۱۹ نماینده دائم ایران در سازمان ملل این ادعای عربستان سعودی را «بی‌پایه» دانسته و آن را رد کرد (UN Doc. S/2019/785). با این

شد و در نتیجه مخالفت سه کشور اروپایی عضو برجام رد شد (Security Council Facilitator for Resolution 2231, 2019: para. 29). این در حالی است که در چارچوب آیین مجوز دهی معروف به «کانال خرید» (Procurement Channel) موضوع بند ۲ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ و بند ۶ پیوست چهارم برجام، در مورد اقلام فهرست‌های دوگانه «گروه تأمین کنندگان هسته، بسیاری از درخواست‌های مجوز مورد تأیید قرار گرفتند.

^۱ از نوامبر ۲۰۱۷ تا مارس ۲۰۲۰ عربستان سعودی مجموعاً ۹ نامه به رئیس شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل متحد در خصوص حملات حوثی‌های یمن به این اهدافی در این کشور نوشت که در آنها ادعا شده بود از موشک‌ها و پهپادهای ساخت ایران استفاده شده است.

^۲ با وجود اینکه گروه انصار الله یمن مسئولیت این حمله را پذیرفت، آمریکا و عربستان سعودی اعلام کردند که ایران عامل این حمله بوده است.

وصف، بنابه درخواست عربستان سعودی یک هیأت کارشناسی از جانب دبیرخانه ملل متحد برای بررسی این موضوع به عربستان سعودی سفر کرد. در پی تحقیقات کارشناسان سازمان ملل متحد، دبیرکل در هشتمین گزارش شش‌ماهه اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ اعلام کرد که دبیرخانه نمی‌تواند «به طور مستقل تأیید کند» که موشک‌های کروز و پهپادهای به کار رفته در حمله ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ علیه تأسیسات آرامکو «منشأ ایرانی داشته و برخلاف قطعنامه ۲۲۳۱ از ایران [به کشوری دیگر] انتقال داده شده‌اند» (UN Secretary-General, 2019: paras.32-34)

اما با شروع جنگ روسیه و اوکراین در فوریه ۲۰۲۰ اتهامات علیه ایران در خصوص انتقال غیرمجاز اقلام رژییم پایش فناوری موشکی و نقض بند ۴ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۱۳ وارد مرحله جدیدی شد. تفصیل اینکه شش ماه پس از آغاز جنگ روسیه و اوکراین، ارتش روسیه با استفاده از پهپادهای انتحاری حملات گسترده‌ای را علیه اهداف نظامی و غیرنظامی در اوکراین آغاز نمود. این حملات در ماه اکتبر ۲۰۲۲ شدت پیدا کردند. از همان زمان، اوکراین و آمریکا ادعا کردند که پهپادهای مورد استفاده روسیه ساخت ایران بوده و از طرف ایران در اختیار روسیه قرار گرفته است. در پی تحولات فوق و در آستانه تشکیل جلسه شورای امنیت برای بررسی جنگ اوکراین و روسیه در ۲۱ اکتبر، نماینده دائم اوکراین در سازمان ملل طی نامه مورخ ۱۷ اکتبر ۲۰۲۲ به رئیس شورای امنیت دبیرکل سازمان ملل متحد، رسماً ایران را متهم به تأمین پهپاد برای روسیه کرد. بنابر ادعای نماینده اوکراین، در ماه اوت سال ۲۰۲۲ چندین محموله پهپاد از خانواده پهپادهای شاهد و خانواده پهپادهای مهاجر از ایران به روسیه منتقل شده است (UN Doc. S/2022/771)

در جلسه مورخ ۲۱ اکتبر ۲۰۲۲ شورای امنیت نمایندگان آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان شدیداً از ایران برای ارسال پهپاد به روسیه انتقاد کرده و هر دو کشور را متهم به نقض قطعنامه ۲۲۳۱ کردند (UN Doc. S/PV.9161). در همان روز نمایندگان سه کشور اروپایی عضو برجام طی یک نامه مشترک و نماینده دائم آمریکا طی نامه‌ای جداگانه اتهامات خود علیه ایران را تشریح کردند. در این دو نامه که محتویات مشابه هم داشتند، انتقال پهپادهای شاهد و مهاجر از ایران به روسیه نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت اعلام شده است بدین استدلال که پهپادهای یادشده بردی بیش از ۳۰۰ کیلومتر داشته و لذا سامانه‌های رده دوم رژییم پایش فناوری موشکی محسوب می‌شوند. از آنجایی انتقال این پهپادها از ایران به روسیه بدون مجوز قبلی شورای امنیت طبق بند ۴ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ بوده است، هم ایران و هم روسیه بند مذکور و ماده ۷ قطعنامه ۲۲۳۱ نقض کرده‌اند. افزون بر این، خانواده پهپادهای مهاجر توسط شرکت «صنایع هوایی قدس» تولید می‌شود که مشمول مقررات انسداد دارایی موضوع جزء «د» بند ۶ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ است و لذا هرگونه معامله با آن ممنوع و ناقض ماده ۷ قطعنامه مذکور است (UN Doc. S/2022/781; UN Doc. S/2022/782).

۱. لازم به توضیح است که طبق جزء «ج» بند ۶ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ همه کشورها مکلف شده‌اند وجوه، دیگر اموال و منابع اقتصادی اشخاص مشمول فهرست تحریمی قطعنامه ۱۷۳۷ را به مدت ۸ سال از تاریخ پذیرش برجام مسدود کنند و به موجب جزء «د» این بند مکلف شده‌اند از هرگونه معامله با اشخاص مذکور به مدت ۸ سال خودداری کنند (UNSC Res. 2231, 2015: Annex B, para.6).

گذشته از رد ادعاهای اوکراین و قدرت‌های غربی در خصوص انتقال پهپادهای ساخت ایران به روسیه، واکنش ایران به ادعاهای مذکور از حیث تفسیر بند ۴ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ درخور توجه است. توضیح اینکه نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد در پاسخ به نامه‌های ۲۱ اکتبر آمریکا و سه کشور اروپایی عضو برجام، نامه‌ای به تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۲۲ به رئیس شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال کرد. افزون بر رد اتهامات مطرح شده در دو نامه یادشده، ایران قدرت‌های غربی را به ارائه «تفسیری نادرست، خودسرانه و درعین حال گمراه‌کننده» از بند ۴ پیوست «ب» متهم کرد که «با متن و روح آن بند مغایرت دارد» چراکه «این بند به وضوح به محدودیت‌هایی در مورد اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری اشاره می‌کند که «یک کشور تشخیص دهد می‌تواند برای تولید هرگونه سامانه پرتاب سلاح‌های هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد» و ایران هرگز اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌هایی را که بتواند به تولید سامانه‌های پرتاب سلاح هسته‌ای کمک کند، تولید یا عرضه نکرده و قصد چنین اقدامی را نیز ندارد» (UN Doc. S/2022/794). این تفسیر بنا بر ظاهر بند ۴ پیوست «ب» قابل نقد به نظر می‌رسد چرا که دقت در متن نشان می‌دهد که این بند در واقع دو نوع اقلام را مشمول آیین مجوزدهی خود کرده است. نخست، «همه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌های مندرج در [سند] (S/2015/546)» که همان فهرست اقلام پیوست رژیم پایش فناوری است. دوم، «هرگونه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌هایی که یک کشور تشخیص دهد می‌تواند برای تولید هرگونه سامانه پرتاب سلاح‌های هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد» که با حرف ربط به عبارت اول معطوف شده است و از حیث تغایر متعاطفین، موضوع جداگانه‌ای برای حکم این بند است. در واقع، به نظر می‌رسد که این عبارت الگوبرداری از بند ۷ رهنمودنامه رژیم پایش فناوری موشکی باید که به «بند پایش کلی» معروف بوده و ناظر به «اقلام فهرست‌نشده»^۱ در پیوست رژیم است. در این بند به دولت‌های عضو رژیم توصیه شده است که در قوانین و مقررات پایش ملی خود «انتقال اقلام فهرست‌نشده [در پیوست رژیم پایش فناوری موشکی] که بنابه اطلاع مقامات دولتی ممکن است به قصد استفاده در سامانه‌های پرتاب سلاح‌های کشتار جمعی به کار بروند» را منوط به مجوز قبلی کنند (MTCR Guidelines, para.7.a: [n.d.]). در واقع، قید مورد اشاره ایران در بند ۴ پیوست «ب» نیز تکلیف به اعمال نوعی «پایش کلی» است و نه شرطی برای اعمال محدودیت‌های این بند بر اقلام مشمول فهرست پیوست رژیم پایش فناوری موشکی که در سند «S/2015/546» به ثبت شورای امنیت رسیده بود.

نتیجه‌گیری

بررسی رویه شورای امنیت سازمان ملل متحد طی دو دهه گذشته حکایت از این دارد که سیاست قدرت‌های غربی بر تبدیل رژیم پایش فناوری موشکی به تعهدات حقوق سخت در سطح جهانی قرار گرفته است و استفاده از صلاحیت و اختیارات شورای امنیت براساس فصل هفتم منشور ملل متحد،

¹. Catch-all control clause

². Non-listed items

ابزاری کلیدی در اعمال این سیاست بوده است. گذشته از قطعنامه ۱۵۴۰، قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه کره شمالی و ایران بستر اصلی بروز این رویکرد بوده است. شورای امنیت با ادغام فهرست اقلام پیوست رژیم پایش فناوری موشکی در ساختار تحریم‌های اقتصادی موضوع قطعنامه ۱۷۱۸ علیه کره شمالی و البته قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۹۲۹ علیه ایران، نه تنها «همه کشورها» را از هرگونه انتقال اقلام مشمول فهرست این رژیم، اعم از رده اول و دوم، به این دو کشور منع کرد بلکه انتقال این اقلام از کره شمالی و ایران به دیگر کشورها را هم مطلقاً ممنوع ساخت. پنداری این دو کشور هدف تحریم، به عضویت اجباری رژیم پایش فناوری موشکی در آمدند با این تفاوت که رهنمودنامه رژیم پایش فناوری موشکی به اعضای این رژیم توصیه می‌کند که در مورد انتقال اقلام مشمول رده اول پیوست «فرض قوی» را بر رد درخواست مجوز قرار داده و در مورد انتقال اقلام رده دوم «احتیاط» کنند.

از سوی دیگر، تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در پی انعقاد برجام و مواضع سرسختانه و پافشارانه آمریکا و سه کشور اروپایی عضو برجام در خصوص تفسیر و اجرای بندهای ۳ و ۴ پیوست «ب» این قطعنامه در ارتباط با رژیم پایش فناوری موشکی، بیش از پیش سیاست دگردیسی این رژیم را نمایان ساخت. اگرچه در بند ۴ پیوست «ب» تحریم اقلام رژیم پایش فناوری موشکی به «آیین مجوزدهی» مبدل شده و مدت اعتبار آن به ۸ سال محدود شد که در اکتبر سال ۲۰۲۳ به پایان رسید، اما این واقعیت که حتی یک مورد مجوز انتقال اقلام فهرست شده طبق بند مذکور صادر نشد، بر ادامه نگرش قبلی قدرت‌های غربی دلالت دارد و البته باید در نظر داشت که به لحاظ «سازوکار بازگشت فوری تحریم‌ها (مکانیسم ماشه)» موضوع بندهای ۱۱ و ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱، احیای تحریم‌های قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۹۲۹ از جمله تحریم‌های مبتنی بر رژیم پایش فناوری موشکی علیه ایران نه تنها ممکن بلکه بسیار محتمل است. اما نکته اساسی که از تجربه اجرای در بند ۴ پیوست «ب» طی مدت اعتبار آن به دست می‌آید این است که کارکرد رژیم پایش فناوری موشکی در مورد خاص ایران، به جلوگیری از انتقال فناوری‌های ساخت موشک و پهپاد از ایران به کشورهای دیگر تغییر یافته است و این در حالی است که فلسفه تشکیل رژیم پایش فناوری موشکی جلوگیری از انتقال فناوری‌های مذکور از کشورهای عضو این رژیم به «کشورهای مورد نگرانی» از قبیل ایران بوده است.

سرانجام باید به مواضع قدرت‌های غربی در خصوص اجرای بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ اشاره کرد. قدرت‌های یادشده سرسختانه بر دو موضع اصرار داشتند. نخست اینکه هر موشک بالستیک که طبق معیار قابلیت حمل بار/برد جزو سامانه‌های رده اول رژیم پایش فناوری موشکی باشد، «ذاتاً قادر به حمل سلاح‌های هسته‌ای» است. دوم اینکه پرتابگرهای فضایی (ماهواره‌برها) به لحاظ تشابه فناوری با موشک‌های بالستیک، در زمره سامانه‌های رده اول رژیم پایش فناوری موشکی هستند. بر این مبنا، در طول هشت سال اجرای بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ تمام آزمایش‌های موشک‌های بالستیک و پرتاب‌های ماهواره‌برهای ایران را نقض بند یادشده می‌دانستند و حتی تغییر واژه‌پردازی بند ۳ در قیاس با بند ۹ قطعنامه ۲۲۳۱ با افزوده شدن قید «طراحی شده برای اینکه» نیز این مواضع را تغییر نداد. در واقع، می‌توان رویه قدرت‌های غربی در قبال بند ۳ پیوست «ب» قطعنامه ۲۲۳۱ را نمودی از یک سیاست کلی تلقی کرد که در صدد است فناوری سامانه‌های پرتاب سلاح‌های کشتار جمعی را هم‌سان و هم‌سنگ

خود این سلاح‌ها قرار دهد تا از این رهگذر زمینه تکوین نوعی رژیم عدم اشاعه فناوری‌های موشکی و پهبادی به صورت حقوق سخت فراهم گردد. به نظر می‌رسد کاربست رژیم پایش فناوری موشکی در ساختار تحریم‌های شورای امنیت علیه کره شمالی و ایران، بدان گونه که در این نوشتار توضیح داده شد، نقشی اساسی در پیشبرد این سیاست داشته است.

منابع فارسی

۱. امینیان، ب. سجادی، م. (۱۳۹۶). رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات. *فصلنامه سیاست خارجی*، ۳۱(۴)، ۷۰-۴۱
۲. امینیان، ب. ضمیری جیرسرائی، ش. (۱۳۹۵). تأثیر رژیم کنترل تکنولوژی موشکی بر امنیت ملی و توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه آفاق امنیت*، (۳) ۲۸، ۶۶-۴۱
۳. جکسون، ر. سورنسون گک. (۱۴۰۱). *درآمدی بر روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رهیافت‌ها*. ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعید کلاهی، تهران: نشر میزان، چاپ دوم
۴. ساعد، ن. (۱۳۸۶). تحلیل هنجارین رژیم کنترل فناوری موشکی و الزامات دفاعی جمهوری اسلامی ایران. *مجله سیاست دفاعی*، (۵۹) ۴۳-۶۸
۵. سجادی، م. (۱۳۹۶). تأثیر حقوق نرم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پرتو رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات. *فصلنامه سیاست*، (۴) ۱۵، ۱۲۳-۱۱۱
۶. سجادی، م. (۱۳۹۷). نقش قدرت‌های بزرگ در شکل‌گیری رژیم‌های چندجانبه کنترل صادرات. *فصلنامه سیاست*، (۵) ۱۸، ۱۲۵-۱۰۹.

English References

1. Asada, M. (2017). The Role of the Security Council in WMD-Related Export Control: Synergy Between Resolution 1540 (2004) and Sanctions Resolutions. In *Theory and Practice of Export Control: Balancing International Security and International Economic Relations*, edited by Tamada D. and Achilleas Ph. Singapore: Springer, 29-40.
2. Charbonneau, L. (2015, December 16). Iran's October missile test violated U.N. ban: expert panel. *Reuters*, available at <https://www.reuters.com/article/idUSKBN0TY1T8/>
3. De Bruin, E. (2023). Export Control Regimes—Present-Day Challenges and Opportunities. In *Netherlands Annual Review of Military Studies*, edited by R. Beeres et al., The Hague: TMC Asser Press, 31-53.
4. Equipment, Software and Technology Annex (2023). MTCR/TEM/2023/Annex, Last updated 15 June 2023, available at https://mtcr.info/wordpress/wp-content/uploads/2023/08/MTCR-TEM-Technical_Annex_2023-06-15-PDF.pdf
5. Gruenberg, J.S. (2009). An Analysis of United Nations Security Council Resolutions: Are All Countries Treated Equally? *Case Western Reserve Journal of International Law*,

- 41 (2), 469-511.
6. Gualtieri, D. (2000). 'The System of Non-Proliferation Export Controls. In *Commitment and Compliance: The Role of Non-Binding Norms in the International Legal System*, edited by Shelton, D., Oxford: Oxford University Press, 467-486.
 7. Government of the Islamic Republic of Iran (2015). *Statement of the Islamic Republic of Iran following the adoption of United Nations Security Council resolution 2231 (2015)*, Annex to the letter from the Permanent Representative of Iran to the United Nations addressed to the President of the Security Council, dated 20 July 2015, UN Doc. S/2015/550.
 8. Hasenclever A. Mayer P. Rittenberfer V. (2004). *Theories of International Regimes*. Cambridge: Cambridge University Press. Sixth Printing.
 9. Haupt, D. R. (2016). Legal Aspects of the Nuclear Accord with Iran and Its Implementation: International Law Analysis of Security Council Resolution 2231 (2015) In *Nuclear Non-Proliferation in International Law*, edited by Black-Branch J. and Fleck D. The Hague: T.M.C. Asser Press, 403-469.
 10. Joiner D. (2004). Restructuring the Multilateral Export Control Regime System. *Journal of Conflict and Security Law*, 9 (2). 181-2111
 11. Krasner S. (1983). *International Regimes*. Ithaca and London: Cornell University Press.
 12. MTCR Agreement [Agreement on Guidelines for the Transfer of Equipment and Technology Related to Missiles] (1987) *International Legal Materials*, 26 (3), 599-613.
 13. MTCR Guidelines [Missile Technology Control Regime Guidelines for Sensitive Missile-Relevant Transfers] (n.d.), available at <https://www.mtcr.info/en/mtcr-guidelines/guidelines-for-transfer>
 14. MTCR Annex Handbook [Missile Technology Control Regime (MTCR) Annex Handbook 2017] (2017). available at file:///C:/Users/NoteBook/Downloads/mtcr-handbook-2017-indexed-final-digital%20(1).pdf
 15. Mistry, D. (2003). *Containing Missile Proliferation: Strategic Technology, Security Regimes, and International Cooperation in Arms Control*. Seattle and London: University of Washington Press.
 16. Ozga, D. (1994). A Chronology of the Missile Technology Control Regime. *The Nonproliferation Review*. 1(2), 66-93.
 17. Panel of Experts [established pursuant to resolution 1929 (2010)] (2015). *Final Report of the Panel of Experts Established Pursuant to Resolution 1929 (2010)*, dated 2 June 2015, UN Doc. S/2015/401.
 18. President of the Security Council (2016). *Note by the President of the Security [on]*

- Security Council tasks under Security Council resolution 2231 (2015)*, dated 16 January 2016, UN Doc. S/2016/44.
19. Shelton D. (2000) 'Law, Non- Law and the Problem of "Soft Law" ', in *Commitment and Compliance: The Role of Non- Binding Norms in the International Legal System*, edited by Shelton D. Oxford: Oxford University Press, 1– 20.
 20. Shaffer G. Pollack M. (2010) 'Hard vs. Soft Law: Alternatives, Complements and Antagonists in International Governance', *Minnesota Law Review*, 94, 706– 799.
 21. Talmon, S. (2005). The Security Council as World Legislature. *The American Journal of International Law*. 99 (1), 175-193
 22. Toby. W.H. (2018). A History of the United Nations Security Council Resolution 1540. In *Preventing the Proliferation of WMDs*, edited by Salisbury. D., Stewart, I.J. and Viski A., Cambridge, MA: Palgrave MacMillan, 13-32.
 23. Thirlway H. (2019). *The Sources of International Law*. Oxford: Oxford University Press.
 24. UN Secretary-General (2016), *First Report of the Secretary General on the implementation of Security Council resolution 2231 (2015)*, dated 12 July 2016, UN Doc. S/2016/589.
 25. UN Secretary-General (2017), *Fourth Report of the Secretary General on the implementation of Security Council resolution 2231 (2015)*, dated 8 December 2017, UN Doc. S/2017/1030.
 26. UN Secretary-General (2019), *Eighth Report of the Secretary General on the implementation of Security Council resolution 2231 (2015)*, dated 10 December 2019, UN Doc. S/2019/934.
 27. Whang, C. (2015). The Challenges of Enforcing International Military-Use Technology Export Control Regimes: An Analysis of the United Nations Arms Trade Treaty. *Wisconsin International Law Journal*, 33(1), 114-139.
 28. Williamson, Richard L. Jr. (2003). Hard Law, Soft Law, and Non-Law in Multilateral Arms Control: Some Compliance Hypotheses. *Chicago Journal of International Law*. 4(1), 59-82.

Translated References to English

1. Aminian B and Zamiri S. (2016). The Influence of the Missile Technology Control Regime on the Deterrence Capability of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Security Horizons*, 32 (3), 71-96.
2. Aminian B. and Sajjadi M. (2017). Multilateral Export Control Regimes. *Journal of Foreign Policy*, 31 (4), 41-70.

3. Asada. M. (2017). The Role of the Security Council in WMD-Related Export Control: Synergy Between Resolution 1540 (2004) and Sanctions Resolutions. In *Theory and Practice of Export Control: Balancing International Security and International Economic Relations*, edited by Tamada D. and Achilleas Ph. Singapore: Springer, 29-40.
4. Charbonneau. L. (2015, December 16). Iran's October missile test violated U.N. ban: expert panel. *Reuters*, available at <https://www.reuters.com/article/idUSKBN0TY1T8/>
5. De Bruin, E. (2023). Export Control Regimes—Present-Day Challenges and Opportunities. In *Netherlands Annual Review of Military Studies*, edited by R. Beeres et al., The Hague: TMC Asser Press, 31-53.
6. Equipment, Software and Technology Annex (2023). MTCR/TEM/2023/Annex, Last updated 15 June 2023, available at https://mtrc.info/wordpress/wp-content/uploads/2023/08/MTCR-TEM-Technical_Annex_2023-06-15-PDF.pdf
7. Government of the Islamic Republic of Iran (2015). *Statement of the Islamic Republic of Iran following the adoption of United Nations Security Council resolution 2231 (2015)*, Annex to the letter from the Permanent Representative of Iran to the United Nations addressed to the President of the Security Council, dated 20 July 2015, UN Doc. S/2015/550.
8. Gruenberg, J.S. (2009). An Analysis of United Nations Security Council Resolutions: Are All Countries Treated Equally? *Case Western Reserve Journal of International Law*, 41 (2), 469-511.
9. Gualtieri, D. (2000). 'The System of Non-Proliferation Export Controls. In *Commitment and Compliance: The Role of Non-Binding Norms in the International Legal System*, edited by Shelton, D., Oxford: Oxford University Press, 467-486.
10. Hasenclever A. Mayer P. Rittenberfer V. (2004). *Theories of International Regimes*. Cambridge: Cambridge University Press. Sixth Printing.
11. Haupt, D. R. (2016). Legal Aspects of the Nuclear Accord with Iran and Its Implementation: International Law Analysis of Security Council Resolution 2231 (2015) In *Nuclear Non-Proliferation in International Law*, edited by Black-Branch J. and Fleck D. The Hague: T.M.C. Asser Press, 403-469.
12. Jackson R. Sørensen G. (2022). *Introduction to International Relations: Theories and Approaches*. Translated by Mahdi Zakerian, Ahmed Taghizadeh, Hasan Saeed Kolahi, Tehran: Mizan, Second Edition.
13. Joiner D. (2004). Restructuring the Multilateral Export Control Regime System. *Journal of Conflict and Security Law*, 9 (2). 181-2111

14. Krasner S. (1983). *International Regimes*. Ithaca and London: Cornell University Press.
15. Mistry, D. (2003). *Containing Missile Proliferation: Strategic Technology, Security Regimes, and International Cooperation in Arms Control*. Seattle and London: University of Washington Press.
16. MTCR Agreement [Agreement on Guidelines for the Transfer of Equipment and Technology Related to Missiles] (1987) *International Legal Materials*, 26 (3), 599-613.
17. MTCR Annex Handbook [Missile Technology Control Regime (MTCR) Annex Handbook 2017] (2017). available at file:///C:/Users/NoteBook/Downloads/mtr-handbook-2017-indexed-final-digital%20(1).pdf
18. MTCR Guidelines [Missile Technology Control Regime Guidelines for Sensitive Missile-Relevant Transfers] (n.d.), available at <https://www.mtrc.info/en/mtrc-guidelines/guidelines-for-transfer>
19. Ozga, D. (1994). A Chronology of the Missile Technology Control Regime. *The Nonproliferation Review*. 1(2), 66–93.
20. Panel of Experts [established pursuant to resolution 1929 (2010)] (2015). *Final Report of the Panel of Experts Established Pursuant to Resolution 1929 (2010)*, dated 2 June 2015, UN Doc. S/2015/401.
21. President of the Security Council (2016). *Note by the President of the Security [on] Security Council tasks under Security Council resolution 2231 (2015)*, dated 16 January 2016, UN Doc. S/2016/44.
22. Saed N. (2007). Normative Analysis of the Missile Technology Control Regime and the Defensive Requirements of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Defense Policy*, 15 (59), 43-68.
23. Sajjadi M. (2017). The Influence of Soft Law on the National security of the Islamic Republic of Iran in Light of Multilateral Export Control Regimes, *Policy Quarterly*, 15 (4), 111-123.
24. Sajjadi M. (2018). The Role of the Great Powers in the Formation of Multilateral Export Control Regimes. *Policy Quarterly*, 18 (5), 109-125.
25. Shaffer G. Pollack M. (2010) 'Hard vs. Soft Law: Alternatives, Complements and Antagonists in International Governance', *Minnesota Law Review*, 94, 706– 799.
26. Shelton D. (2000) 'Law, Non- Law and the Problem of "Soft Law" ', in *Commitment and Compliance: The Role of Non- Binding Norms in the International Legal System*, edited by Shelton D. Oxford: Oxford University Press, 1– 20.
27. Talmon, S. (2005). The Security Council as World Legislature. *The American Journal of International Law*. 99 (1), 175-193

28. Thirlway H. (2019). *The Sources of International Law*. Oxford: Oxford University Press.
29. Toby, W.H. (2018). A History of the United Nations Security Council Resolution 1540. In *Preventing the Proliferation of WMDs*, edited by Salisbury, D., Stewart, I.J. and Viski A., Cambridge, MA: Palgrave MacMillan, 13-32.
30. UN Secretary-General (2016), *First Report of the Secretary General on the implementation of Security Council resolution 2231 (2015)*, dated 12 July 2016, UN Doc. S/2016/589.
31. UN Secretary-General (2017), *Fourth Report of the Secretary General on the implementation of Security Council resolution 2231 (2015)*, dated 8 December 2017, UN Doc. S/2017/1030.
32. UN Secretary-General (2019), *Eighth Report of the Secretary General on the implementation of Security Council resolution 2231 (2015)*, dated 10 December 2019, UN Doc. S/2019/934.
33. Whang, C. (2015). The Challenges of Enforcing International Military-Use Technology Export Control Regimes: An Analysis of the United Nations Arms Trade Treaty. *Wisconsin International Law Journal*, 33(1), 114-139.
34. Williamson, Richard L. Jr. (2003). Hard Law, Soft Law, and Non-Law in Multilateral Arms Control: Some Compliance Hypotheses. *Chicago Journal of International Law*. 4(1), 59-82.